

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق

۱۷ اگست ۲۰۲۴



محمد محق

## انتخابات دموکراتیک و تحولات مسالمت‌آمیز

در هفته گذشته برگزاری انتخابات در فرانسه، بریتانیا و ایران نشان داد که مکانیسم‌های دموکراتیک و حتی شبه دموکراتیک، می‌توانند جلو فاجعه‌های فراوانی را بگیرند و تحولات مسالمت‌آمیز در کشورها را تسهیل کنند. در ماه‌های اخیر فضای اختناق در ایران بسیاری از شهروندان آن کشور را به ستوه آورده بود و تداوم این وضعیت می‌توانست به بروز شورش‌های مردمی بینجامد و دور جدیدی از برخوردهای خشونت‌آمیز را رقم بزند. در کشورهای اروپایی نیز اوج گرفتن آواز گروه‌های ضد مهاجر و برخی از احزاب دست راستی موجب نگرانی شدید بسیاری از شهروندان شده بود و خطر رانده شدن جامعه به سوی تشنج‌های داخلی را افزایش می‌بخشید. برگزاری انتخابات دموکراتیک در فرانسه و بریتانیا و انتخابات شبه دموکراتیک ریاست جمهوری در ایران توانست مسیر حوادث را دگرگون کرده و جلو تشنج‌های پرهزینه را بگیرد.

فروکاستن دموکراسی به انتخابات درست نیست و هیچ نظامی به صرف برگزاری انتخابات دموکراتیک نمی‌شود. این در دانش‌های سیاسی بروشنی توضیح داده شده و دموکراسی بسی فراتر از این تعریف شده است. با این هم، انتخابات یکی از سازوکارهای بسیار مهم به نمایش گذاشتن دموکراسی و تبلور اراده مردم در برابر دستگاه حاکم و تن دادن آن به خواست توده‌هاست. با همه ایرادهایی که به انتخابات و حتی به دموکراسی گرفته می‌شود و پاره‌ای از این ایرادها بجا هم است، تا اکنون روشی بهتر از آن برای چرخش قدرت و جابه‌جایی آن در میان نیروهای سیاسی که بتواند جلو تشنج‌های خشونت‌بار را بگیرد پیدا نشده است. انتخابات روشی است که نه تنها در سطح دولت‌ها معنا و کاربرد دارد، حتی در سطوح پایین‌تر، در سطح احزاب، نهادها، اتحادیه‌های صنفی و سایر کارهای سازمانی مکانیسمی پرکاربرد است.

سنت دموکراسی در فرانسه و بریتانیا از استوارترین سنت‌های دموکراسی در سطح جهان به شمار می‌رود و برای بسیاری از کشورها الهام‌بخش بوده است. نهادینه شدن این سنت در آن کشورها چندین سده است که جلو برخوردهای

خسونت‌بار میان طرف‌های سیاسی و اجتماعی در آن کشورها را گرفته و آن‌ها را به رقابت سالم و مشارکت در ادارهٔ مسالمت‌آمیز کشور سوق داده است. مردمان این کشورها از برکت این دموکراسی نهادینه‌شده توانسته‌اند در همزیستی صلح‌آمیز زنده‌گی کنند و نیروئی را که در کشورهای بحرانی صرف زدوخوردهای داخلی می‌شود، صرف فعالیت‌های کلان‌تر ملی کرده و جایگاه بین‌المللی کشورهای خود را تقویت ببخشند. در سال‌های اخیر، پاره‌ای از جریان‌های پوپولیست در این کشورها کوشیدند با سوار شدن بر موج احساسات بخش‌هایی از جامعه در عرصهٔ سیاست تبارز کنند و با دامن زدن به دگرهراسی، اسلام‌هراسی، مهاجرهراسی و ترفندهائی از این قبیل، به بسیج بخش‌هایی از مردم به سود اجندای سیاسی خود بپردازند.

ظهور گروه‌هایی در عرصهٔ سیاست که مبنای کارشان ایجاد تفرقه در میان شهروندان بر پایهٔ دین، نژاد، رنگ، زبان، یا ایدیولوژی سیاسی است، از آفت‌های سیاست در بسیاری از جوامع شمرده می‌شود که آن‌ها را به سوی تشنج و درگیری می‌رانند. چهره‌ها و جریان‌های پوپولیست معمولاً از ارایهٔ راهکاری بهتر از سایر احزاب و جریان‌ها برای بهبود بخشیدن به شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی ناتوانند و طرحی ندارند که آنان را برجسته‌تر از سایرین نشان بدهد و از این راه بتوانند در میان مردم پایگاهی قوی و نفوذی گسترده پیدا کنند. آن‌ها برای پوشاندن ضعف‌های خود ستراتیژی خودقربانی‌انگاری و انداختن تقصیر به دوش دیگران را در پیش می‌گیرند و با مقصر معرفی کردن بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه مانند مهاجران و اقلیت‌ها، می‌کوشند همدلی بخش‌هایی از رأی‌دهندگان و توده‌های کمتر سیاسی را به دست بیاورند. این شیوه در کوتاه‌مدت به سود این افراد و گروه‌ها تمام می‌شود، اما در بلندمدت مردم را به سوی دشمنی داخلی و کشور را به سوی جنگ و ویرانی می‌رانند. در سال‌های اخیر، ظهور چنین افراد و گروه‌هایی در عرصهٔ سیاسی شماری از کشورهای اروپائی نگرانی‌ها را در پی آورده و به‌ویژه مایهٔ تهدید برای آیندهٔ دموکراسی در این کشورها بوده است. انتخابات فرانسه و بریتانیا توانست نشان بدهد که آگاهی دادن به عامهٔ مردم می‌تواند راه تصحیح گام‌های خطا در سیاست را هموار کند و جلو فاجعه‌های احتمالی را بگیرد.

اوضاع در ایران تفاوت‌های اساسی با این دو کشور دارد. در آن‌جا همه می‌دانند که رئیس‌جمهور صلاحیت چندانی ندارد و قدرت در دست رهبری متمرکز شده است و نهادهای زیر نظر وی که به رئیس‌جمهور و به مردم پاسخگو نیستند نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیاری از سیاست‌های این کشور به‌ویژه در سیاست خارجی دارند. با این هم، ایران از نیمهٔ سده بیستم در مسیر توسعهٔ مدرن قرار گرفت و زیرساخت‌های دولت‌داری کم‌وبیش با معیارهای جهان امروز در آن پا گرفت، تا جایی که حاکمیت رژیم بنیادگرا به رهبری ملاها نیز نتوانست تمام آن‌ها را محو کند و یا به‌کلی از کار بیندازد. از این رو، ریاست‌جمهوری، تشکل‌های سیاسی و برخی دیگر از نهادها همچنان سهمی در عرصهٔ سیاست دارند و می‌توانند به میزانی در اوضاع این کشور تأثیرگذار باشند. انتخابات در همین حد محدود هم توانسته است اثراتی بر زندگی ایرانیان داشته باشد، چه در سطح سیاست داخلی و چه سیاست خارجی، و جلو برخی از بحران‌های این کشور را که ناشی از استبداد مذهبی است بگیرد.

افغانستان اکنون گرفتار استبداد سخت و خسونت‌محوری است که زادهٔ حاکمیت سلطه‌ای تمامیت‌خواه است و به هیچ نوعی از انتخابات در هیچ سطحی باور ندارد و به هیچ یک از الزامات نظامی دموکراتیک تن نمی‌دهد. امارت طالبان به رغم شباهت‌هایی که با رهبری ایران از حیث نگاه دگماتیک به مسایل و پاسخگو نبودن به مردم دارد، از نظر مخالفت با هر گونه انتخابات شکل غلیظتری از دیکتاتوری را به نمایش می‌گذارد که نمی‌خواهد هیچ درسی از تحولات منطقه و جهان فرا بگیرد. یکی از گره‌های سخت قضیهٔ افغانستان فقدان سازوکارهای دموکراتیک و زدودن هر گونه مکانیسم انتخاباتی از بدنهٔ دولت است، که خود از عوامل اصلی بحران این کشور است.

اگر طالبان و سایر گروه‌های سیاسی بخواهند سیاست در افغانستان از خشونت و بحران دور بماند، باید اهمیت انتخابات را در نظر داشته باشند، چه در سطح حزبی و سازمانی و چه در سطح کلان‌تر دولتی. انتخابات بهترین روش تمرین دموکراسی است. اگر حزب یا گروهی تن به انتخابات درونی ندهد و مکانیسمی برای جابه‌جایی چهره‌ها به‌شکل دموکراتیک در درون تشکیلات خود نداشته باشد، نمی‌تواند در سطح ملی به الزام‌های فرایند دموکراتیک پای‌بند بماند و نتایج آن را بپذیرد. بازی‌هایی که در دوران جمهوریت با اعتبار انتخابات و نهادهای انتخاباتی شد، یکی از تجارب تلخ دموکراسی در این کشور است و برای جلوگیری از تکرار فاجعه در آینده باید از آن فراوان آموخت. باید به انتخابات برگشت، به دموکراسی تعهدی راستین داشت و به دیکتاتوری از هر نوعی که باشد برای همیشه بدرود گفت.